

کارنامه نشر در بوته نقد



شرکت‌کنندگان:

۱. خانم دکتر ناهید بنی اقبال: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
۲. خانم ونوس خجسته: مدیر واحد کتابداری «خانه کتاب»
۳. خانم دکتر فرشته سپهر: عضو هیأت علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
۴. آقای محمد سمیعی: سردبیر کتاب ماه کلیات
۵. آقای ایرج صبا: عضو هیأت علمی سابق دانشگاه علامه طباطبایی
۶. خانم دکتر ماندانا صدیق بهزادی: عضو هیأت علمی کتابخانه ملی
۷. آقای مسعود فرامرزی: مسؤول کتابخانه شرکت فولاد ایران
۸. آقای داریوش مطلبی: مدیر واحد شابک «خانه کتاب»

سرفصل‌های میزگرد:

۱. بررسی جامعیت و میزان پوشش کتاب‌های منتشر شده
۲. رعایت استانداردهای فهرست‌نویسی
۳. بررسی چگونگی اختصاص رده به کتاب‌ها
۴. بررسی چکیده‌ها
۵. ارجاعات و فهرست‌واره

مطلبی: سال ۱۳۷۶ نخستین شماره کارنامه نشر در دو مجلد با هدف اطلاع‌رسانی کتاب‌های منتشر شده سال قبل، در سطح عمومی برای جامعه منتشر شده و نویسندگان، ناشران، دانشجویان و دانش پژوهان و در نهایت کتابداران جهت استفاده از آن در امر سفارش به عنوان مخاطبان آن معرفی شدند.

قبل از انتشار کارنامه نشر «خانه کتاب» نشریاتی چون پیک روز، کتاب هفته، فصلنامه برای اطلاع‌رسانی کتاب‌ها، منتشر کرده بود، ولی نیاز به مجموعه‌ای که نسبت به سایر نشریات جامعیت بیشتری داشته و کتاب‌های یک‌سال را در خود داشته باشد، احساس می‌شد. بدین منظور «خانه کتاب» برای پاسخگویی به این نیاز مجموعه کارنامه نشر ۷۵ را منتشر کرد.

برای شروع کار لازم بود تا بررسی‌هایی صورت گیرد تا فهرست و اطلاعات موجود در هر رکورد مشخص می‌شد، بنابراین همکاران کتابدار در «خانه کتاب» با توجه به هدف کارنامه نشر که در درجه اول اطلاع‌رسانی به عموم مردم بود و کاربردهای کتابداری نیز در اولویت‌های بعدی قرار داشت، به مطالعه نمونه‌های مشابه پرداختند. بدین ترتیب کتاب‌شناسی ملی ایران به عنوان الگوی اولیه در نظر گرفته شد. هم‌چنین در تجربیات بدست آمده در چندین



سال انتشار نشریات اطلاع رسانی حوزه کتاب، اولین شماره منتشر شد.

در نخستین شماره، اطلاعاتی چون: نام نویسنده، مترجم، محل نشر، ناشر، تعداد صفحات، قطع، بها، نوبت چاپ و شمارگان برای هر رکورد در نظر گرفته شده بود. پس از گذشت حدود هفت سال از انتشار نخستین نسخه آن تغییرات زیادی در محتوا و شکل ارائه مطالب می توان دید. به طوری که در کارنامه نشر سال ۸۲، فیله‌های عنوان به زبان دیگر، شابک، رده کنگره، رده دیویی اول و دوم، معرفی کتاب اضافه شده است و تغییرات زیادی در شکل ارائه، نمایه‌ها و سطوح دسترسی صورت پذیرفته است. در واقع تمام این تغییرات چه در شکل و چه در محتوا براساس نیازهایی که از سوی ناشران، نویسندگان و کتابداران به «خانه کتاب» منتقل شده، شکل گرفته است.

زمانی که در خدمت استاد صبا بودیم، از نظرات ایشان بسیار بهره برده ایم و در سال‌های اخیر از نظرات کارشناسان کتابخانه ملی سود جست‌ه‌ایم. در سال‌های گذشته با بازخوردهای بسیاری برای بهبود کیفیت کارنامه نشر روبه‌رو شدیم و نقدهای خوبی در این زمینه در جهان کتاب و به ویژه در کتاب ماه کلیات منتشر شده است. تمامی این نقدها به ما کمک می‌کند تا مجموعه کارنامه نشر را با کیفیت بهتری عرضه کنیم و آن را با توجه به نیاز مخاطبان و نیاز جامعه بهبود بخشیم. هر سال هنگام شروع به چاپ شماره جدید کارنامه نشر، در مورد آن جلساتی برگزار می‌کنیم و نظرات و پیشنهادات مفید در مورد کارنامه نشر پیشین را جویا می‌شویم و به بررسی این نظرات و پیشنهادات پرداخته، براساس آنها تصمیم‌گیری می‌کنیم. کتاب‌هایی که در کارنامه نشر معرفی می‌شود از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دست ما می‌رسد. به همین دلیل سعی می‌کنیم از طریق کانال‌های مختلف، کامل‌ترین و به‌روزترین بانک اطلاعاتی کتاب را دایر کنیم. براساس بررسی‌هایی که کتابخانه ملی انجام داده است و با توجه به سخنان مرحوم دکتر مزینانی، مجموعه کارنامه نشر نزدیک به

بسیست درصد از مجموعه کتابخانه ملی به روز تر است.

در سال های گذشته، علاوه بر ارتباط با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ناشران نیز در ارتباط بوده ایم و سعی کرده ایم تا مجموعه کامل تری عرضه کرده و کتاب های بیشتری جمع آوری کنیم. هم چنین در سال ۱۳۷۸ لوح فشرده کارنامه نشر را منتشر کردیم تا مورد استفاده کتابخانه ها و مراکز و سازمان هایی که CD آن را درخواست کرده بودند، قرار گیرد. در لوح «کتیبه» نیز اطلاعات تمام کتاب های منتشر شده از سال ۱۳۷۰ به بعد را با امکان گزارش گیری به صورت آماری فراهم کردیم. در جلساتی که برای بررسی مشکلات کارنامه نشر تشکیل می شد، و نقدهایی که در مجلات مختلف وجود داشت مطرح می شد، این نقدها ما را بر آن داشت تا آن را در جلسه ای به نقد بگذاریم. هدف ما این است که از نظرات تمام دوستان آگاه شویم و تا جای ممکن این نظرات را چه از جنبه محتوایی و چه از جنبه شکل و تنظیم و کاربردی بودن آن، مورد ملاحظه قرار دهیم. حتی آمادگی آن را داریم که در صورت لزوم تغییراتی اساسی در کارنامه نشر بوجود آوریم. البته باید بیافزاییم که کارنامه نشر با نگاهی کتابخانه ای تدوین نشده، یا هدف تولید اثری صرفاً مناسب برای فهرست نویسی نبوده است. دلیل گنجاندن رده های دیویدی و LC (کنگره امریکا) یا موارد مشابه این بوده است که یک کارشناس کتابداری در شهرستان بتواند، با استفاده از آن فهرست نویسی کند و مجموعه کتابخانه خود را کامل تر کند. پیشاپیش از نظرات شما استقبال می کنیم.

بنی اقبال: مطلبی در سخنان شما در رابطه با تولید فرم کاغذی کارنامه نشر وجود داشت. مناطق بسیاری در کشور وجود دارد که به دلیل عدم دسترسی به رایانه همچنان به فرم کاغذی نیاز دارند. اولین سرفصل این میزگرد بررسی جامعیت و میزان پوشش کتاب هاست.

سمیعی: از آقای مطلبی خواهش می کنم در مورد شمارگان نسخه کاغذی کارنامه نشر و میزان استقبال از آن در مقایسه با CD کتیبه، توضیحاتی بفرمایند. کسانی که می خواهند از این کارنامه استفاده کنند، چند درصد به رایانه دسترسی دارند و چند درصد ترجیح می دهند از نسخه کاغذی آن استفاده کنند؟

مطلبی: آمار دقیقی در این مورد، در دست نداریم. اما برای تمام کتابخانه های عمومی شکل کاغذی آن ارسال می شود. میزان استفاده از شکل کاغذی آن نسبت به CD بسیار بیشتر بوده است. تعداد مواردی که به صورت CD منتشر می شود، حدود سیصد تا چهار صد تاست، ولی تقریباً هزار و پانصد عدد نسخه چاپی توزیع می شود و مشتریانی نیز هر ساله آن ها را تحویل می گیرند. هم چنین براساس آماری که داریم تعداد مشتریانی که از CD کارنامه نشر استفاده می کنند، به صورت بالقوه آن را بکار می برند.

سمیعی: CD کارنامه نشر به راحتی تکثیر می شود و همزمان شما نسخه های CD را به فروش می رسانید. در حالی که نسخه های کاغذی را اهدا می کنید.

خجسته: با کاربردی تر شدن رایانه در سال های اخیر، حس کردیم شاید دیگر چندان نیازی به نسخه کاغذی کارنامه نشر نداریم. ما کارنامه نشر را با نیرویی اندک، با محدودیت زمانی بسیار و با مشکلات فراوانی آماده و تدوین کردیم. قبل از چاپ آن در سال های اخیر، بررسی هایی در رابطه با کارنامه نشر صورت گرفت. حتی بین دوستان، این بحث مطرح بود که نیازی به نسخه های چاپی کارنامه نیست. اما کسانی که هر سال کارنامه نشر را مطالعه کرده، از آن استفاده می کنند، بر وجود نسخه چاپی اصرار داشته و دارند و براساس نظر سنجی های انجام شده، مشخص می شود که وجود نسخه های چاپی همچنان ضروری است.

بنی اقبال: در زمانی که هم می توان به صورت (on line) به «کتیبه» دسترسی پیدا کرد و هم CD آن موجود است؛ من از اینکه نسخه چاپی آن را در اختیار دارم، احساس رضایت می کنم. واقعیت این است که جامعه ما هنوز به جامعه ای الکترونیکی تبدیل نشده است. علاوه بر آن در بسیاری از نقاط کشور، دسترسی به رایانه و اینترنت امکان پذیر نیست. شاید برای پنج سال آینده چنین نظراتی چندان به واقعیت نزدیک نباشد. سخن اصلی من در مورد پوشش کتاب هاست. مجرای دستیابی شما به کتاب ها و وزارت فرهنگ و ارشاد



مطلبی:

کارنامه نشر با نگاهی

کتابخانه ای تدوین

نشده، یا هدف تولید

اثری صرفاً مناسب برای

فهرست نویسی نبوده

است

اسلامی است، ولی واقعیت این است که پس از بیست سال تجربه در کتابخانه‌های گوناگون من به این نتیجه رسیده‌ام که بسیاری از انتشارات دستگاه‌های دولتی اصلاً وارد بازار نمی‌شود و یا تیراژ آن به حدی پایین است که به سرعت نایاب می‌شود. مثال آن کتابی است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر نموده است و اتفاقاً من خود از مؤلفان یکی از بخش‌های آن هستم. این کتاب آن‌چنان نایاب است که من نسخه‌ای از آن را هم نتوانستم در بازار بیابم. راهکاری باید در این زمینه پی‌ریزی شود تا در آینده گزارش‌های سازمان‌های دولتی که برخی از آن‌ها بسیار بارز است و می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد؛ جمع‌آوری شده، در اختیار محققان گذارده شود، همان‌گونه که ما توانستیم اسناد دولتی را گردآوری کنیم، باید بخشنامه‌ای از طرف هیأت دولت صادر شود تا براساس آن سازمان‌های دولتی یک نسخه از کتاب‌هایی را که منتشر می‌کنند در اختیار کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و مرکز اسناد، قرار دهند. البته خوشبختانه جناب آقای مهندس «میرحسین موسوی» در هیأت دولت چنین مصوبه‌ای را به تصویب رساندند، مبنی بر اینکه یک نسخه از نشریات دولتی الزاماً به کتابخانه‌ها فرستاده شود.

صدیق بهزادی: سؤالی در مورد پوشش کتاب‌های کارنامه نشر دارم. آن‌گونه که از دوستان در کارنامه نشر، مطلع شده‌ام؛ معرفی کتاب‌ها از طریق جمع‌آوری اسامی کتاب‌هایی است که در مجلات کتاب هفته یا جهان کتاب و مانند آن، صورت می‌گیرد، آیا درست است که منبع معرفی کتاب‌ها این مجلات می‌باشد؟ آیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با وجودی که موظف است، دو نسخه از هر کتاب را در اختیار کتابخانه ملی قرار دهد، اطلاعات تمام کتاب‌ها را در اختیار کارنامه نشر قرار می‌دهد؟ موضوع دیگر، کتابخانه‌های شهرستان‌هاست. حتی کتابخانه ملی نمی‌تواند کتابخانه‌های شهرستان‌ها را بدرستی تحت پوشش خود قرار دهد. احتمالاً تمام کتاب‌های منتشر شده در شهرستان‌ها به کارنامه نشر نیز، راه نیافته‌اند.

مطلبی: در پاسخ به پرسش اول، باید بگویم تمام کتاب‌هایی که منتشر می‌شود؛ قبل از اینکه توسط وزارتخانه در اختیار کتابخانه ملی قرار گیرد، به «خانه کتاب» فرستاده می‌شود. ما برای اینکه تمام این کتاب‌ها را دریافت کنیم فردی را به عنوان مسوول پیگیری کتاب‌ها در وزارتخانه تعیین کرده‌ایم. در مورد شهرستان‌ها نیز تمام ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها موظفند از هر کتابی که در هر استان منتشر می‌شود، یک نسخه به وزارتخانه ارسال کنند. علاوه بر این‌ها، از یک سری راهکارها نیز استفاده می‌کنیم. مثلاً «خانه کتاب» نماینده سازمان جهانی ISBN در ایران است، تمام ناشران چه دولتی و چه خصوصی عضو سازمان ISBN هستند (بالغ بر نود و هشت درصد). ناشران برای اینکه بتوانند هر ساله ISBN دریافت کنند باید لیست کتاب‌های منتشر شده‌شان را برای ما ارسال کنند. هم‌چنین در انتهای هر سال، ستادی توسط «خانه کتاب»، برای پیگیری کتاب‌های منتشر شده به وسیله سازمان‌های دولتی، چه به صورت مکاتبه‌ای و چه به صورت حضوری تشکیل می‌شود تا این نوع کتاب‌ها را جمع‌آوری کند. در سال گذشته علاوه بر کتاب‌هایی که توسط وزارتخانه و ناشران برای ما ارسال شده بود، سه هزار عنوان کتاب نیز توسط این ستاد جمع‌آوری شد. پس هدف ما این است که از راه‌های مختلف، کامل‌ترین بانک اطلاعاتی را ایجاد کنیم. در این زمینه همکاری‌هایی نیز با کتابخانه ملی داریم. هم‌چنین در حال راه‌اندازی بانک «اهل قلم» هستیم تا نویسندگان به عضویت این بانک درآیند و از خدمات آن همچون بیمه بهره‌مند شوند. بدین ترتیب اطلاعاتی در مورد کتاب‌های آن‌ها بدست آورده، به اطلاعات بانک اطلاعات بیفزاییم.

صدیق بهزادی: براساس تحقیقی که در کتابخانه ملی صورت گرفت، مشخص شد که در بازار کتاب‌هایی وجود دارد که توسط وزارتخانه برای کتابخانه ملی ارسال نشده است. با این وجود، بعید نیست که این مسأله برای «خانه کتاب» نیز رخ دهد.

مطلبی: البته گاهی این اتفاق رخ می‌دهد، زیرا ممکن است در جریان جابه‌جایی، برخی از کتاب‌ها از قلم بیفتد. به همین علت ما فردی را در وزارتخانه مستقر کرده‌ایم تا کتابی از قلم نیفتد و کار نیز با سرعت صورت گیرد. هم‌چنین همکاران در بخش کتابداری، فهرست‌های اعلام وصول را با کتاب‌های رسیده تطابق می‌دهند. البته مواردی هم هست که کتابی در بازار موجود است، ولی به ما اعلام وصول نشده است و بعد

مطلبی:
خانه کتاب نماینده
سازمان جهانی ISBN
در ایران است، ناشران
برای اینکه بتوانند
هر ساله ISBN دریافت
کنند باید لیست
کتاب‌های
منتشر شده‌شان را برای
ما ارسال کنند

اعلام و وصول می شود و یا اعلام وصول شده، اما به کتابخانه ملی فرستاده نشده است. بدین ترتیب بانک «خانه کتاب» بین پانزده تا بیست درصد، جامع تر از اطلاعات کتاب کتابخانه ملی است. این آمار را براساس بررسی کتابخانه ملی اعلام می کنم.

خجسته: انتشار کارنامه نشر برای رفع دو نگرانی مهم صورت گرفت. شواهد حاکی از این است که در کتاب شناسی های موجود دو نقص عمده وجود دارد: نخست به روز کردن و دیگری جامعیت بخشیدن. ما برای رسیدن به اصل جامعیت تمام تلاش خود را بکار بستیم. حتی از ناشران درخواست کردیم تا کتاب هایی را که احیاناً بدست وزارتخانه نرسیده بود، برای ما ارسال کنند. به تدریج با شناختی که ناشران و مؤلفان از این پایگاه اطلاعاتی پیدا کردند؛ خود شخصاً اقدام به ارسال کتاب به ما می کنند.

مطلبی: هم چنین با هماهنگی هایی که با تعاونی ناشران و وزارتخانه انجام شده، مقرر شده است تا زمانی که ناشران در نمایشگاه بین المللی کتاب شرکت می کنند؛ اطلاعات مربوط به کتاب هایشان کامل شود، زیرا در نمایشگاه براساس حجم کتاب های تولید شده به ناشران، فضا اختصاص پیدا می کند. از این رو اگر ناشران با فضای کمی در نمایشگاه روبه روی شوند، درمی یابند که اطلاعات مربوط به کتاب هایشان به طور کامل وارد بانک «خانه کتاب» نشده است. بدین ترتیب ناشران تمایل دارند تا کتاب هایشان را در اختیار ما قرار دهند تا اطلاعات آن را به بانک وارد کنیم. البته نمی توان منکر این مسأله شده که ممکن است کتابی بدست ما نرسیده باشد. با این وجود اگر راهکارهایی برای این امر پیشنهاد شود، ما خوشحال می شویم تا از نظرات دوستان و همکاران استفاده کنیم.

بنی اقبال: موضوع دیگری که جای بحث دارد. وضعیت نشر زیرزمینی است که در ایران وجود دارد. اصلاً برای من این سؤال مطرح است که آیا نشر زیرزمینی در ایران داریم. طبیعی است که اگر پاسخ مثبت باشد؛ نمی توانیم انتظار داشته باشیم که به کارنامه نشر راه یافته باشد. از نظر قانونی آیا منعی در رابطه با این مسأله وجود دارد. بدین معنی که اگر کتابی به صورت زیرزمینی تولید شد و در بازار راه یافت و یا پشت و پتیرین مغازه ها نرفت و در کتاب فروشی ها دست به دست گشته و تمام شده است و شما از وجود آن باخبر شدید، محدودیتی برای آوردن این کتاب ها در کارنامه نشر دارید یا خیر؟

مطلبی: تمام ناشران موظفند اعلام وصول بگیرند و از طریق آن کتاب هایشان به دست ما می رسد. ما تنها زمانی می توانیم کتابی را که اعلام وصول ندارد، در بانکمان بیاوریم که وزارتخانه ها و مراجع رسمی آن را منتشر کرده باشند. بقیه حتماً باید اعلام وصول داشته باشند. حتی منابعی به ما می رسد که اعلام وصول نشده، ولی چاپ شده است و دولت جلوی انتشار آن را گرفته است. ما منبع و اطلاعات را داریم، ولی آن را در کارنامه نشر، نمی آوریم. بنابراین ملاک ما اعلام وصول است. جز برای کتاب های مراکز دولتی و مراجع دیگر.

خجسته: تشکر ویژه ای از استادم آقای دکتر «صبا» دارم، چرا که اگر راهنمایی و کمک ایشان نبود، مطمئناً کارنامه نشر به سرانجام نمی رسید.

صبا: با توجه به مطالبی که در مورد جامعیت کارنامه نشر و پوشش اطلاعاتی آن مطرح شد، لازم است مطالبی را عنوان کنم. در مورد جامعیت، آقای مطلبی، شاخص ها را بیان کردند. ما هم باید به دنبال شاخص هایی باشیم تا بتوانیم میزان جامعیت کارنامه نشر را افزایش دهیم. طی سال های ۷۵-۷۶ به اتفاق دوستان و مدیران بخش به یک سری آمار و ارقامی رسیدیم که چیزی حدود ده درصد از اطلاعات کتاب هایی که خود دانشگاه ها و بخش های دولتی منتشر می کردند، نه در کتابخانه ملی درج می شد و نه حتی به بانک اطلاعاتی «خانه کتاب» راه می یافت. در این ارزیابی مشخص شد که غیر از انتشارات دولتی و دانشگاهی، چهار یا پنج درصد از کتاب های چاپ شهرستان نیز به هیچ وجه وارد بانک اطلاعاتی «خانه کتاب» نمی شدند. البته بعدها در این باره سعی شد تا منابع کامل تر شده و جامعیت بیشتری پیدا کند. هنوز هم مشکلاتی وجود دارد. همان طور که خانم دکتر صدیق بهزادی فرمودند باید به دنبال آمارهای بیشتری باشیم که مشخص شود، در زمینه کتاب هایی که منتشر می شود چند درصد کسری داریم. هم چنین در مورد پوشش اطلاعاتی نیز خانم دکتر اشاره ای به گزارش های تحقیقاتی داشتند که بسیاری از مؤسسات، چه در بخش های خصوصی و چه



خجسته:
انتشار کارنامه نشر
برای رفع دو نگرانی مهم
صورت گرفت. نخست
به روز کردن و دیگری
جامعیت بخشیدن



صبا:
تصور می‌کنم کارنامه نشر
به عنوان یک هسته
اطلاع‌رسانی در کل کشور
البته در کنار کتابخانه ملی
 مطرح است

بخش‌های دولتی منتشر می‌کنند. من هم معتقدم اطلاعات این گزارش‌ها باید به نوعی در کارنامه نشر منعکس شود. غیر از گزارش‌های تحقیقاتی، تصور می‌کنم کارنامه نشر به عنوان یک هسته اطلاع‌رسانی در کل کشور البته در کنار کتابخانه ملی مطرح است. در حال حاضر بسیاری از منابع کتابی ما بیشتر به صورت منابع الکترونیکی منتشر می‌شود، مانند فرهنگ‌آرمان پور و لغتنامه دهخدا و ده‌ها لوح دیگر. فکر می‌کنم یکی از کارهایی که باید در کارنامه نشر انجام شود و اطلاعاتی که باید به آن اضافه شود، نشر الکترونیکی است. کتابخانه ملی جدیداً اقدام به دریافت منابع الکترونیکی نموده است. وزارت ارشاد بنا به قانون و امکاناتی که دارد یا مجوزی که می‌تواند به تولیدکنندگان منابع الکترونیک بدهد، اولین مؤسسه‌ای است که می‌تواند این منابع را به صورت رایگان دریافت کند. اما آیا برای این موضوع قانونی وجود دارد؟ در مورد کتاب، بحث نسخ رایگان وجود دارد، اما آیا در مورد منابع الکترونیکی نیز چنین قانونی هست؟

بنی اقبال: این قانون در مورد منابع کتابی و غیرکتابی یکسان است.

صدیق بهزادی: طبق قانون باید لوح‌ها را نیز در اختیار قرار دهند، بدین معنی که منابع غیرکتابی که طیف وسیعی دارد نیز باید شامل این موضوع بشود. هم چنین مواد سمعی بصری، بخش بزرگی را شامل می‌شود که باید طبق قانون واسپاری مشمول این قضیه هم بشود. در حال حاضر چند درصد جمع‌آوری شده که باید کامل شود.

صبا: منابع الکترونیکی هم در کنار گزارش‌های تحقیقاتی حتی سایر منابع و مدارک اطلاعاتی دیگر باید در کارنامه نشر منعکس شود. یعنی از نظر پوشش محتوایی باید گسترده‌تر عمل شود. از آنجا که بانک‌های اطلاعاتی هم دارند به صورت (on line) در می‌آیند. این بانک‌های اطلاعاتی برای مثال برای کسی که به عنوان یک معلم می‌خواهد از این اطلاعات استفاده کند؛ باید در تمام زمینه‌ها و در یک موضوع

خاص، تمام محمل‌های اطلاعاتی تولید شده در ایران را به روز، دربرگیرد. در مورد کارنامه نشر مطلب دیگری بود که می‌خواستم بیان کنم و آن اینکه، با وجود تمام زحماتی که طی سال‌های گذشته برای جمع‌آوری و به‌روز کردن اطلاعات توسط همکاران کشیده شده است، لازم است از هرگونه عجله و شتابزدگی در این خصوص پرهیز شود. چون همان‌طور که می‌دانید در سال‌های ۷۵-۷۶ که خدمت دوستان بودیم، مخصوصاً یک ماه به آخر سال مانده، قرار بر این بود که کارنامه نشر، در نمایشگاه کتاب عرضه شود. از این رو همکاران مجبور بودند از اواخر اسفند تا اواخر فروردین مجموع سه هزار کتابی که اشاره شد؛ از شهرستان بگیرند و در اختیار داشته باشند؛ این کتاب‌ها باید کدبندی و موضوع‌بندی می‌شد و در مجموعه اطلاعات داده‌ها جا داده می‌شد که امیدوارم در آینده بتوانیم دقت لازم را بخصوص در جمع‌آوری منابع و اطلاعات داشته باشیم.

مسعودی: در رابطه با دامنه پوشش کارنامه نشر، تصور می‌کنم لازم است، تعریفی از دامنه کاربرد آن ارائه دهیم. البته به این موضوع در مقدمه اولین کارنامه نشر در سال ۷۵ اشاره شد و در مقدمه‌های بعدی دیگر به آن نپرداختیم. این نکته ظریف و حساسی است. من در کتابخانه ملی به طور مستقیم حدود سه سال با این مسئله، سروکار داشتم، بخصوص در کتابخانه ملی چون جزوات را در یک محل نگهداری می‌کردند و کتاب‌های کودک را در محل دیگر و کتاب‌های Unesco را هم مد نظر قرار می‌دادند و در مخزن نگهداری می‌کردند. بعدها در «خانه کتاب» هم این موضوع مطرح بود. به عنوان مثال کتابی می‌آمد و بعد در مورد اینکه این کتاب هست یا نیست و باید در کارنامه نشر بیاوریم یا خیر، جای سؤال بود. بعضی منابع وضعیت روشنی دارد، اما تصمیم‌گیری در مورد برخی دیگر مشکل است. شما نمی‌دانید، آیا این منبع را باید جزو حوزه کتاب قرار بدهید یا جزو محسوب می‌شود. اگر جزو محسوب می‌شود، طبق تعریفی که داریم، همه اینها را باید دربرگیرد. پس لازم است مشخص شود دامنه کاربرد و فراهم‌آوری و درج منابع در کارنامه نشر چیست. آقای صبا در مورد منابع الکترونیکی صحبت کردند. به هر حال این مسئله را هم باید تعریف کرد. من شخصاً مخالف آن هستم که در حال حاضر و در این مرحله، منابع الکترونیکی به کارنامه نشر اضافه شود. اعتقاد دارم باید بیشتر به کیفیت بپردازیم و دامنه فعالیت‌ها و موضوعات خود را مشخص و سعی کنیم در همان دامنه بیشترین مقداری را که می‌توان فراهم کرد، سامان دهیم، بعد هم در ثبت اطلاعات و داده‌هایمان کیفیت را رعایت کنیم. اگر هم می‌خواهیم به موضوعات جدیدی بپردازیم با برنامه‌ریزی همراه باشد. یعنی باید طراحی و برنامه‌ریزی کنیم و براساس برنامه حرکت کنیم. به طور مثال مشخص شود که تا دو سال آینده می‌خواهیم منابع الکترونیکی را هم اضافه کنیم. بدین معنی که وضعیت منابع الکترونیکی را مطالعه کنیم، تعریف‌ها و قابلیت‌شناسایی آن‌ها را انجام دهیم و سپس آن‌ها را اضافه کنیم.

در همین چند دقیقه بحث‌هایی مطرح شد. یکی انتشارات دولتی و دیگری منابع الکترونیکی بود. مسأله بعدی جزوات هستند که این جزوات مرز قابل تشخیص دقیقی ندارند و با قاطعیت نمی‌توان گفت این جزوه محسوب می‌شود یا کتاب. بنابراین برای این موضوعات معیار بگذاریم که البته برخی از این معیارها قراردادی است، یعنی خود ما قرار می‌گذاریم که منابع خاصی مثل جزوه‌ها را با این معیار به حساب بیاوریم یا خیر. هم‌چنین در خصوص منابع افسست شده لازم است مشخص شود که این موضوع جزو دامنه کاربرد و گستره کاری ما هست، مثلاً ما کتاب‌های افسست شده داخل را جزو آن می‌آوریم یا خیر. بنابراین اگر چنین تعریفی داشته باشیم و اقلامی که در این تعریف می‌گنجد، مشخص کنیم و معیارهای شناسایی آن را تعیین کنیم، موضوعات و منابع ما بیشتر قابل کنترل خواهد بود. بدین منظور اگر تعریف روشنی در این مورد ارائه نشود و ما معیار شناسایی مشخصی برای آن‌ها نداشته باشیم؛ ممکن است زمانی یکی از کارشناسان، منبعی که در دست دارد، کتاب محسوب کند و به کارنامه نشر آورد و کارشناس دیگر با معیار دیگری آن منبع را جزوه، یا یک گزارش معمولی دولتی به حساب آورد و آن را در کارنامه نشر نیاورد. بدین ترتیب ابتدا باید تعریف کنیم و اقلام‌مان را هم مشخص کنیم و برای اقلام‌مان هم تا جایی که می‌توانیم تعریف و معیار ارائه دهیم. در ادامه هم سعی کنیم آن محدوده را کنترل کنیم تا به راحتی بتوانیم به تمامی اطلاعات آن محدوده دسترسی پیدا کنیم.



مسعودی:

لازم است مشخص شود دامنه کاربرد و فراهم‌آوری و درج منابع در کارنامه نشر چیست. من مخالف آن هستم که در حال حاضر و در این مرحله، منابع الکترونیکی به کارنامه نشر اضافه شود



دکتر بنی اقبال:
نبايد ناشر الکترونيک را
از منابع الکترونيک جدا
کنيم. در حال حاضر نشر
الکترونيک هم کتاب
است

بنی اقبال: اعتقاد دارم که نباید ناشر الکترونيک را از منابع الکترونيک جدا کنیم. در حال حاضر نشر الکترونيک هم کتاب است. کارنامه نشر نمی تواند از آن برکنار باشد. شاهنامه هایی که به صورت الکترونيکی و بر روی CD می آیند، نیز همگی کتاب محسوب می شوند. چه بسا که یک کتاب هم چاپ کاغذی در دسترس باشد و هم با CD عرضه شود. به اعتقاد من لازم است که بیان شود که هر کتابی فرم CD هم دارد یا خیر؟ فهرستی هم در پایان آن اضافه شود که کدام یک از کتاب ها CD هم دارند و کدامیک از منابع صرفاً به صورت CD درآمده اند. با فرمایش های آقای صبا نیز موافقم که ما کار مکرر انجام ندهیم. به عنوان مثال در حال حاضر مرکز پژوهش های علمی صنعتی ایران «فهرست بانک های اطلاعاتی» را درمی آورد و به خوبی از عهده این کار برآمده است. بنابراین هر چه قدر این کارها تکراری و به موازات یکدیگر نباشند، بهتر است. کسی که نیاز دارد می تواند از این مرکز اطلاعات را بگیرد.

مسعودی: مقایسه ای بین کتابخانه ملی و بحثی که ما در کارنامه نشر داریم صورت گرفت. از ابتدا لازم است حساب کتابخانه ملی را از کارنامه نشر جدا کنیم. اساساً کتابخانه ملی توسط مجلس تصویب شده است که ماهیت آرمانی دارد. براساس آن، تمام منابع اعم از شنیداری، دیداری، چاپی و غیرچاپی باید جمع آوری شوند که عملاً این کار امکان پذیر نیست. طبق آنچه که مجلس در مورد کتابخانه ملی تصویب کرده است؛ کتابخانه ملی باید تمام نوارهای صوتی را جمع آوری کند. این نوارهای صوتی، موسیقی، سخنرانی و هر موضوع دیگر را دربر می گیرد. در کتابخانه ملی بخش اسناد و مدارک تشکیل شده بود که واقعاً برای جمع آوری اسناد با مشکلاتی مواجه بود. هر چند که اسناد و مدارک هم جزو مصوبات مجلس آمده بود و مجلس، کتابخانه ملی را موظف کرده است که این اسناد و مدارک را جمع آوری کند. اما وقتی ما در کارنامه نشر دامنه ای برای خود معین می کنیم، عملاً نشان می دهیم که هیچ مقید نیستیم که تمام منابعی که کتابخانه ملی جمع آوری می کند، ما نیز جمع کنیم.

سپهر: مرز بین کتاب شناسی ملی و کارنامه نشر روشن نیست. مسلماً در تدوین کارنامه نشر سیاست گذاری یا برنامه تدوین شده ای وجود دارد که البته باید آن را بهبود بخشید، نه اینکه از ریشه آن را از بین برد. با بررسی هایی که من در این مورد انجام داده ام، کارنامه نشر به مقوله منابع کتابی (Books in Print) چاپ شده می پردازد. بدین معنی که کارنامه نشر یک کتاب شناسی عمومی است و باید با کتابشناسی ملی تفاوت داشته باشد. ما نباید منتظر آن باشیم که کتابخانه ملی چه کاری می کند تا ما هم همان کار را انجام دهیم. کارنامه نشر باید فعالیت های خاص خود را داشته باشد. کارنامه نشر برنامه نوشته شده ای دارد. یعنی بنا داریم فقط کتاب ها را جمع کنیم، یا مقاله ها و منابع دیگری را اضافه کنیم. کاری که کتاب شناسی ملی در هر کشور انجام می دهد، مشخص است. کتاب شناسی ملی قانون واسپاری دارد. باید هم این وظایف را کتابخانه ملی انجام دهد. خواهش می کنم دنباله روی صرف کتابخانه ملی نباشید. «خانه کتاب» باشید! کارنامه نشر را برای خودتان منتشر کنید. بگذارید کتاب شناسی ملی هم به فعالیت های مختص خود بپردازد. اینکه شما نسخه چاپی دارید بسیار عالی است. من با خانم دکتر بنی اقبال موافقم. بسیاری از کتابدارهایی که ما در دانشگاه به آنها درس می دهیم، واقعاً از این نسخه چاپی استفاده می کنند.

بسیاری افراد در شهرستان ها از این فرم چاپی استفاده می کنند. فکر نمی کنم حتی تا پنج سال آینده مجبور باشید فرم چاپی کارنامه نشر را کنار بگذارید. حتی کشورهای دیگر نیز فرم چاپی را به طور کلی حذف نکرده اند. در مورد مسأله ناشران و پوششی که فرمودید، فکر می کنم اصولاً ناشران در جایی ثبت می شوند، یعنی داشتن فهرست ناشران به شما کمک می کند که بتوانید به راحتی با آن ها در تماس باشید و از انتشارات آن ها استفاده کنید.

مطلبی: در مورد نشر الکترونيک چون در دنیا ISBN شامل آثار الکترونيک نیز می شود، در «خانه کتاب» فعالیت هایی در این زمینه انجام شده و فهرستی نیز تهیه شده است. در حال حاضر در آیین نامه این حوزه به کار مشغولیم که به نوعی بتوانیم ISBN را برای آثار الکترونيک On Line هم اختصاص دهیم. امیدوارم در آینده نزدیک این اتفاق بیفتد. در این حوزه هم «خانه کتاب» فعالیت هایی دارد که در

کارنامه نشر نیامده است. در مورد معیارهایی که آقای مسعودی فرمودند، حتماً معیارهایی در «خانه کتاب» داریم. برای مشخص شدن نوع مدرک در بانک اطلاعات مان چندین نوع مدرک داریم که شاید نیاز به بازنگری داشته باشد. در مورد مرکز کتابخانه ملی و کارنامه نشر، ما به هیچ عنوان قصد پیروی صرف از کتابخانه ملی را نداریم. آن‌ها هدفی دارند، ما هدف دیگری داریم. هدف آن‌ها به نوعی حوزه کتابداری است و خدمت‌رسانی به کتابخانه‌ها و کتابداران را شامل می‌شود. ما هدفمان صرفاً کتابداران نیستند، بلکه کتابداران جزوی از استفاده‌کنندگان اطلاعات ما هستند. هدف ما اطلاع‌رسانی عمومی و خدمت به عموم مردم، ناشران و پژوهشگران است. در حوزه فهرست‌ناشران، بانک اطلاعاتی ناشران «خانه کتاب»، (ناشران باید جزو ISBN شوند) بانک اطلاعات کاملی وجود دارد، زیرا اطلاعات بیش از پنج هزار ناشر و مؤسسه دولتی و خصوصی در بانک اطلاعاتی ما وجود دارد و برای اینکه هر ساله این اطلاعات به روز شود، تبدیلاتی صورت می‌گیرد.

سپهر: فکر می‌کنم ناشران امروزی با ناشران گذشته فرق کرده‌اند و خودشان می‌خواهند که با شما یا مراکز دولتی در تماس باشند، برای اینکه بتوانند آثار خود را به فروش برسانند. این کار برای خود آن‌ها به نوعی تبلیغ محسوب می‌شود.

سمیعی: مسأله اینجاست که شما بالاخره می‌خواهید کتاب‌شناسی ملی در کارنامه نشر داشته باشید یا خیر. این مسأله با Books in Print بودن متفاوت است.

ISBN جایی برای کتاب‌شناسی ملی است. یعنی اگر می‌خواستیم فعالیت‌ها را تقسیم کنیم و بگوییم کتابخانه ملی شایک را بدهد، مسأله حل شده بود. اما الان «خانه کتاب» نماینده ISBN است و می‌تواند پوشش بیشتری نسبت به کتابخانه ملی داشته باشد.

از طرفی دیگر هدفی که می‌فرمایید، می‌خواهید به خواننده کتاب و به کاربر کتاب، سرویس بدهید (به ثبت در کارنامه نشر کاری ندارم)، اقتضای این کار این است که شما Books in Print منتشر کنید. یعنی کتاب‌هایی که در بازار وجود دارد اطلاع‌رسانی کنید، سال نشر کتاب‌های موجود در بازار نیز چندان مهم نیست. یعنی ما فهرست نمی‌خواهیم ارائه دهیم. یا گزارش نمی‌خواهیم ارائه دهیم، یا نمی‌خواهیم ثبت کنیم، ولی این کتاب در بازار موجود است. ممکن است امسال منتشر شده باشد و در بازار هم موجود نباشد. این کاری است که برخی مؤسسات دیگر می‌خواهند انجام دهند، اما موفق به انجام آن نشده‌اند. مثلاً پوشش نشریه جهان کتاب به دلیل نداشتن امکاناتی چون امکانات «خانه کتاب» چندان گسترده نبوده است. به نظر من باید این مسأله را مشخص کنیم. اگر می‌خواهیم Books in Print داشته باشیم، سیستم شایک را باید حفظ کنیم. در عوض می‌توانیم یک Data Bank اضافه داشته باشیم و به کتابخانه ملی نیز این سرویس را بدهیم. روش‌های ارجاع دادن ما در این صورت متفاوت خواهد بود و روش چکیده‌نویسی ما نیز فرق خواهد کرد. حتی ممکن است دیگر از سیستم LC و دیوپی استفاده نکنیم و از سیستمی دیگر در این کار کمک بگیریم.

صدیق بهزادی: آن‌گاه آن را از چارچوب فهرست‌نویسی خارج کرده‌اید و دیگر به فکر فهرست‌نویسی از کتاب نخواهید بود. هم‌چنین به فکر اعمال رده‌بندی کنگره علاوه بر رده‌بندی دیوپی نیز نخواهید بود.

هر کدام از موارد باعث مشکلاتی در کار شما خواهد شد. اگر مانند کاری که Books in Print انجام می‌دهد که همان دادن لیست عنوان، مؤلف و هر موضوع از کتاب‌ها به مخاطب است، عمل کنید، بسیار مفید است. اطلاعاتی که در کارنامه نشر به ثبت می‌رسد، بسیار مفید است و این اطلاعات برای فهرست‌نگاران بسیار ارزشمند است، زیرا اطلاعاتی مانند شمارگان در آن ثبت می‌شود که می‌توان از آن‌ها استفاده‌آماری نمود. یونسکو هر ساله چنین آماری را درخواست می‌کند، اگر بپذیریم که هدف کارنامه نشر، Books in Print است و ساختار همه این مجموعه‌ها در سراسر دنیا به هم شبیه است، به این نتیجه می‌رسیم که برنامه‌های فهرست‌نویسی ورده‌بندی را باید کلاً کنار بگذاریم. اما اگر این ساختار را نپذیریم، آن‌گاه باید بگوییم که کارنامه نشر چیست؟ کتاب‌شناسی ملی است؟ اگر کتاب‌شناسی ملی است، باید فهرست‌نویسی شود. در



سمیعی:

«خانه کتاب» نماینده

ISBN است و می‌تواند

پوشش بیشتری نسبت به

کتابخانه ملی داشته باشد



صدیق بهزادی:
اگر مانند کاری که
Books in Print
انجام می دهد که همان
دادن لیست عنوان، مؤلف
و هر موضوع از کتاب ها به
مخاطب است، عمل کنید،
بسیار مفید است

فهرست نویسی که اعمال شده نام تمام مؤلفان، همکاران و مترجمان در ایندکس آمده است. برای هیچ کتابی فهرست تحلیلی ذکر نشده است، ولی فهرست تحلیلی را به نوعی در کار آورده اید. به نوعی تمام شناسه های اضافی را در ایندکس ذکر کرده اید. موضوعات در بخش موضوع آمده و تقسیم بندی کلی رده نیز بر اساس دیویی صورت گرفته است. شماره و کنگره نیز در انتهای آن ذکر شده است. پس فهرست نویسی بر اساس فرم استاندارد فهرست نویسی صورت نگرفته است. کار شما به فهرست نویسی و فهرست نویس کمک نمی کند، ولی در عوض شما را از هدفتان دور می کند. هدف شما فهرست نویسی نیست و ارائه برگ های فهرست نویسی به مراجعه کننده ای که چیزی از فهرست نویسی نمی داند، بی فایده است. به طور مثال اگر یک محقق یا زبان شناس بخواهد بداند که در رشته زبان شناسی چه کتاب هایی وجود دارد، چیزی از فهرست تحلیلی یا توصیفی نمی داند. اگر در چارچوب Books in print بمانیم و در این جلسه به این نتیجه برسیم که کارنامه نشر Books in print است، ارزش دارد که جلوی آن را بگیریم و ساختار کارنامه نشر را به ساختار یک Books in print نزدیک کنیم. اما اگر بخواهید روند سابق را ادامه دهید، اشکالات زیادی دارد. به نظر من این ساختار، کار شما را خراب می کند. آنچه شما انجام داده اید نه کتاب شناسی است و نه فهرست نویسی است. در حالی که شما زحمت زیادی کشیده اید از تمام Subject ها سرعنوان موضوعی انتخاب نموده اید. تمام مؤلفان را از روی مستند مشاهیر انتخاب کرده اید. اما من به عنوان یک مراجعه کننده و فهرست نگار نمی توانم از آن استفاده کنم، زیرا امکان ندارد یک فهرست نویسی از کارنامه نشر بتواند استفاده صحیحی کنند. در حالی که از موضوعاتی که شما انتخاب نموده اید، نمی تواند آگاه شود. او فقط می تواند حدس بزند که موضوع فلان کتاب چیست. به نظر من بایدروی ساختار کارنامه نشر تجدیدنظر اساسی صورت گیرد، زیرا کاری که شما انجام می دهید، بسیار با ارزش

است و می‌تواند مکمل کتاب‌شناسی ملی باشد. فکر جایگزینی کتاب‌شناسی ملی و یا ایجاد چیزی شبیه کتاب‌شناسی ملی با انجام برخی تغییرات ساختاری مانند به‌انتهای بردن Subject و یا به‌انتهای بردن نویسندگان همکار به معنای واژگون‌سازی برگه فهرست نویسی است و بدین ترتیب اطلاعاتی را ارائه می‌دهید، ولی نه در فرم برگه فهرست نویسی.

سپهر: بهتر است تعریفی از کتاب‌شناسی ارائه شود. کتاب‌شناسی به معنای سیاهه و صورت کتاب‌هاست. کار شما کتاب‌شناسی هست، ولی هم کتاب‌شناسی ملی شده و هم کتاب‌شناسی عمومی. من پیشنهاد می‌کنم که نگاهی به Books in print بیندازید. این مجموعه ساختار بسیار خوبی دارد. سال‌های سال است که منتشر می‌شود و مخاطبان خاص خود را دارد. علاوه بر آن Children books... وجود دارد که کتاب‌های کودکان را مجزای می‌کند و مخاطب خاص خود را دارد. جای Books in print در ایران واقعاً خالی است.

در ایران چنین فهرست نویسی که فهرست و سیاهه کتاب‌ها را ارائه کند و به راحتی قابل استفاده باشد نداریم. جای کتاب‌شناسی عمومی در کشور ما خالی است و کار شما می‌تواند به این امر منجر شود. Books in print الگوی بسیار خوب و جامعی برای کارنامه‌نشر می‌تواند باشد و می‌تواند جایگاه خود را بیابد. هم چنین از شما تقاضا می‌کنم تا برنامه نوشته شده‌ای داشته باشید و مرزهایتان را مشخص کنید. سی سال است که ایفلا قواعد فهرست نویسی را منتشر می‌کند. به این قوانین نیز توجه کنید، زیرا برای نوشتن کتاب‌شناسی ایجاد انگیزه می‌کند.

مسعودی: من در سال ۱۳۷۱ به دلیل مسؤولیتی که در کتابخانه ملی داشتم، تحقیقی در مورد کتاب‌شناسی ملی انجام دادم و به این نتیجه رسیدم که کتاب‌شناسی ملی از سال ۱۳۴۲ که «ایرج افشار» آن را پایه‌گذاری نموده تا سال ۱۳۷۱ همیشه دچار مشکل تأخیر در انتشار بوده است و به طور متوسط همیشه سه سال کتاب‌شناسی ملی از کتاب‌های منتشر شده عقب‌تر است. زمانی که کارنامه‌نشر در حال انتشار بود، ما به عنوان کتابدار کتابخانه ملی نسبت به این امر نظر مثبتی داشتیم، زیرا تصور می‌کردیم که مشکل تأخیر در انتشار کتاب‌های سال در راه حل شدن است. به همین علت کارنامه‌نشر را رقیب کتاب‌شناسی ملی نمی‌دانستیم. من در تحقیقم بیان کردم که علت سه سال عقب بودن کتاب‌شناسی ملی این است که برای ساختن یک موضوع جدید یا رده جدید نه تنها روزها که ممکن است هفته‌ها و وقت صرف شود. برای حل این مشکل چه باید کرد؟ از یک طرف ما باید آیین‌نشر کشور باشیم، و از طرف دیگر به خاطر پروژه کارهای فنی کتاب‌شناسی ملی، نمی‌توانیم به روز باشیم. زمانی که کارنامه‌نشر منتشر شد من در مقاله‌ای که در کتاب ماه کلیات منتشر شد، بیان کردم که این «کارنامه‌نشر، روز آمد، ولی کم دقت» است. کارنامه‌نشر دو ماه پس از پایان سال و کتاب‌شناسی ملی دو سال بعد از کتاب‌های سال منتشر شد. یکی از امیدواری‌های کتابداران و کسانی که دغدغه کتاب دارند، ایجاد کارنامه‌نشر بود که می‌خواست مشکل ناروزآمدی را حل کند، ولی اساساً تجربه نشان داده که محصولات چندمنظوره نمی‌تواند اهداف مورد نظر را محقق سازند. در صنعت، در سیستم‌های کیفیت نیز این امر مصداق دارد. طبیعتاً اگر شما آن را نشر کشور بدانید، ساختار رکوردهایتان نیز تغییر خواهد کرد.

باتوجه به محدودیت زمانی که به آن اشاره کردید و محدودیت نیروی انسانی و تجهیزات که وجود دارد، بهتر است منابع را روی اهداف اصلی متمرکز کنیم و محتوای آن بخش را بهبود بخشیم. علی‌الاصول اگر در تعریف کار خود به مسأله‌ای اشاره کنید، طبیعتاً مورد نقد واقع می‌شوید. نمی‌توانید بگویید با وجود رعایت فهرست نویسی و اعمال رده‌بندی نباید در مورد رده‌بندی انتقادی شود.

سمیعی: قبل از آنکه آقای مطلبی توضیحات خود را ذکر کنند، فکر می‌کنم در این جلسه بحث اصلی بر سر بانک اطلاعات «خانه کتاب» نیست، بلکه در مورد کارنامه‌نشر است. به دلیل برخی سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، احتیاج به گزارشاتی است که بتواند تمام فیلدها را پر کند و یا در شباک به دلیل تپه‌دی که برای ISBN دارید بخواهید اطلاعات اضافی را نگهداری کنید و با کتابخانه ملی مبادله شود. هم چنین به دلیل ارتباط نزدیک‌تر با معاونت امور فرهنگی وزارتخانه، کتاب‌های بیشتری را می‌توانید

مسعودی:

زمانی که کارنامه‌نشر

در حال انتشار بود، ما به

عنوان کتابدار کتابخانه

ملی نسبت به این امر نظر

مثبتی داشتیم، زیرا تصور

می‌کردیم که مشکل تأخیر

در انتشار کتاب‌های سال

در راه حل شدن است

تحويل بگيريد. بحث اصلی این جلسه برسر کارنامه نشر است، ولی فکر نمی‌کنم هیچ‌کدام از اساتید حاضر نسبت به Data Bank انتقادی داشته باشند. این اطلاعات همیشه مفید است. من نیز همیشه از تحلیل‌هایی که در مورد تیراژ کتاب‌ها، نوبت چاپ، پدیدآورندگان و ناشران شده است، بسیار بهره برده‌ام، ولی به نظر اساتید حاضر در جلسه صورت انتشاراتی آن بهتر است به صورت Books in print باشد.

صدیق بهزادی: اگر شما رده و فهرست نویسی را رها کنید، خیلی سریع تر کار خواهید کرد. کافی است که یک ایندکس عنوان و مؤلف داشته باشید. فقط باید ساختار موضوعی تعیین نمایید و دقیقاً همان کار Books in print را انجام دهید. با این رویه سرعت کارتان نیز افزایش می‌یابد.

مطلبی: با سیاست از همه عزیزان واقعاً به نکات جالبی دست یافتیم، بارها روی این مسائل بحث کرده بودیم، اما نمی‌دانستیم که آیا این رویه درست است یا خیر. در مورد تقسیم‌بندی به صورت رده‌بندی به علت مرسوم بودن از رده دیویی استفاده نمودیم. در مورد رده‌ها نیز باید بگوییم از آنجایی که کتاب‌ها برای کتابخانه‌های استان‌ها ارسال می‌شود، اکثر آن‌ها اظهار می‌داشتند که دسترسی به کتاب‌شناسی ملی ندارند و همیشه به ما نامه می‌نوشتند. این احساس که نیاز به این اطلاعات (رده دیویی و موضوع) وجود دارد، باعث گنجاندن این اطلاعات در آن شده است.

به همین منظور در «کتاب» این امکان وجود داشت که خروجی کارت برگه بگیرد؛ همان‌گونه که کتابخانه ملی ارائه می‌کند؛ هدف ما پاسخگویی به یک نیاز بوده است نه اینکه احساس کنیم با این کار می‌خواهیم فهرست نویسی انجام دهیم. در مورد سریع بودن ولی تا اندازه‌ای مشکل دار بودن، تصور ما این بود که اگر ۷۰ درصد اطلاعات را سریع در اختیار مصرف‌کننده قرار دهیم، بهتر از این است که این اطلاعات با تأخیر و به طور کامل (۱۰۰ درصد) در اختیار او قرار گیرد. هیچ کاری هم حتی با تأخیر زیاد به صورت صددرصد کامل، انجام نمی‌شود. اما با توجه به نیاز پژوهشگران، نویسندگان، بازار و استفاده برای سفارش باید کارنامه نشر در سریع‌ترین زمان ممکن چاپ می‌شد.

در مورد ساختار رکوردها نیز از نظرات اساتید استقبال می‌کنیم. فکر تغییر ساختار رکوردها مدتی است که مطرح شده است. یعنی حتی در صورت امکان رده دیویی و LC را حذف کنیم و اطلاعات را تا حد ممکن خلاصه کنیم. اگر واقعاً همه فکر می‌کنند که افزودن رده در این رکوردها کمکی به پیشبرد امر نمی‌کند، آن را حذف می‌کنیم. من در ۲۱ استان کارگاه آموزشی دایر کردم و از برخورد کتابداران دریافتیم که وجود رده دیویی و LC به پیشرفت کار آن‌ها کمک کرده است. البته اگر با تغییر فرمت کارنامه نشر بهبود بیاید، از این امر استقبال می‌کنیم. هیچ تعصب خاصی نیست.

صدیق بهزادی: بسیاری از کتاب‌های مولوی در ایندکس کارنامه نشر شماره نداشت. من این مسأله را وقتی متوجه شدم که رده شعر فارسی قرن هفتم را با کارنامه نشر مقایسه کردم و متوجه شدم که بیش از ۱۵ کتاب مولوی شماره نخورده است. یکی از کتاب‌های مولوی رده QA گرفته بوده که اشتباه است. برای رده‌گذاری کتاب‌ها باید واقعاً وقت گذاشت، برای مستند مؤلف، موضوع ساختن باید وقت گذاشت. در حالی که به هیچ‌کدام از این کارها نیازی نیست و شما می‌توانید به کار اصلی تان برسید.

بنی اقبال: مگر ما آلودگی هوا در کتابداری نداشتیم!

مطلبی: من مجدداً اشاره کنم که رده LC را مستقیماً از کتابخانه ملی می‌گیریم و اگر احساس کنیم که در رده‌ها اشتباهی وجود دارد تصحیح می‌کنیم، اشتباهاتی اگر در این بخش است، متوجه ماست و دقت ما در تصحیح پایین بوده است.

صفا: این اشکال بارها در کتابخانه ملی نیز دیده شده است. آقای مسعود غفاری اخیراً کتابی چاپ نموده‌اند تحت عنوان انتخاب عاقلانه، زندگی عاشقانه که در مورد روان‌شناسی است، شماره‌ای در کتابخانه ملی به آن اختصاص یافته، ۲۹۷/۴۸ است و رده BP که مربوط به اسلام است. در حالی که این کتاب روان‌شناسی است.

مسعودی: ما می‌گوییم که اگر شما وارد رده‌بندی شوید، دچار همین اشتباهات خواهید شد. مشکل فهرست نویسی کتابخانه‌های عمومی به هر حال باید حل شود و شما با کارنامه نشر نمی‌توانید آن مشکل را حل کنید. حل این مشکل نیاز به طرح ویژه‌ای دارد.

مطلبی:
در مورد سریع بودن ولی
تا اندازه‌ای مشکل دار
بودن، تصور ما این بود که
اگر ۷۰ درصد اطلاعات را
سریع در اختیار
مصرف‌کننده قرار دهیم،
بهتر از این است که این
اطلاعات با تأخیر و به طور
کامل (۱۰۰ درصد) در
اختیار او قرار گیرد

بنی اقبال: فیبا خیلی کمک کرده است. فیبا غلط یا صحیح است ما به آن کاری نداریم، خلط و وظیفه نباید صورت گیرد. آموزش کتابداران آیا وظیفه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است یا خیر؟ وظایف نباید با یکدیگر تداخل پیدا کند، یا باید برای همه کتاب‌ها چکیده‌های خوبی از لحاظ ویرایشی تهیه شود و یا برای هیچ کدامشان نباید چکیده تهیه شود. کسی از Books in print انتظار چکیده ندارد. استفاده‌ای که از چکیده می‌شود بسیار کمتر از آن زحمتی است که برای آن کشیده می‌شود. این کار وقت‌گیر است و نیروی انسانی و مادی زیادی صرف آن می‌شود. حتی می‌توان بررسی کرد که چقدر از این چکیده‌ها استفاده می‌شود. چکیده‌ها یک دست، یکنواخت و استاندارد نیست.

صبا: در مورد چکیده‌ها باید بگویم که عنوان چکیده برای این موارد نادرست است. در حالی که چکیده تعریف و معیارهای خاص خود را دارد.

سمیعی: قرار دادن عنوان خلاصه نادرست تر است.

سپهر: عنوان دقیق این‌ها کتاب‌گذاری است. دقیقاً در علم کتابداری، کتاب‌گذاری نامیده می‌شود. هنگامی که بسیار کوتاه باشد، عنوان آن گزارمان است.

صبا: اگر بخواهیم عنوان گزارمان به آن‌ها دهیم، باید معیارهای آن را رعایت کنیم. من برخی از چکیده‌ها را که مطالعه کردم متوجه شدم که چکیده از روی عین مطلب مترجم یا محتوای آن کلیشه شده است. استاندارد ISO برای چکیده‌نویسی وجود دارد که با ترجمه آن و استفاده از سایر منابع علمی، معیارهایی برای چکیده‌نویسی مدون شود و در اختیار توصیف‌نویسان قرار گیرد و اگر موافق هستی لفظ چکیده را حذف کنیم. صدیق‌بهرزادی: طبق استاندارد ISO ما دو نوع چکیده داریم. چکیده آگاه‌گر و راه‌نما، چکیده آگاه‌گر فقط برای کتاب‌هایی استفاده می‌شود که هدف و نتایجی از آن منتج شده باشد. چکیده باید در ۱۰۰ یا ۲۵۰ کلمه باشد. پس یا باید عنوان چکیده را به کار برد که در آن صورت باید استانداردهای آن را رعایت کرد و یا اصلاً آن را حذف کرد. به نظر من Books in print اصلاً احتیاج به چکیده ندارد. کاری که شما انجام داده‌اید، معرفی کتاب است و باید واژه معرفی را به کار برید و نه چکیده. هر چند شخصاً ضرورتی به وجود معرفی و چکیده در Books in print نمی‌بینیم.

سپهر: در ساختار Books in print اصلاً موضوع، مؤلف و عنوان دارید، وقتی کتاب را بر اساس موضوع رده‌بندی می‌کنید به طور ضمنی کتاب را معرفی می‌کنید. حتی نیازی به نوشتن کتاب‌گذاری و یا معرفی نیست. اگر ساختار، ساختار Books in print باشد، همه چیز روشن است.

سمیعی: من فکر می‌کنم که الزامی وجود ندارد تا ساخت‌گیری‌های ای‌زودر «خانه کتاب» رعایت شود، زیرا چکیده شامل نوشته یک یا دو جمله‌ای می‌شود، چنان که شامل نوشته تخصصی می‌شود با ۵۰۰ کلمه. Informative, Discriptive abstract داریم. حتی چکیده ساخت یافته که اسکلت کاملی از متن می‌آورد، در متون علمی زیاد است. بانک‌های اطلاعاتی که تخصصی است، ممکن است تا ۱۰۰۰ کلمه یا بیشتر هم داشته باشد. به نظر من بهتر است روی کاربردی که کارنامه نشر می‌خواهد داشته باشد، صحبت کنیم. مهم‌ترین مشکل چکیده‌های کارنامه نشر یک دست و یکنواخت بودن و نداشتن ساخت است. برخی از چکیده‌های آن واقعاً مفید است و برخی چکیده‌ها هیچ مطلبی را به خواننده منتقل نمی‌کند. گاه در مورد کتاب‌هایی که بسیار ارزشمند و مهم هم هست چکیده‌ای نوشته نشده است. برای برخی از کتاب‌ها نمی‌توان چکیده نوشت، ولی این کار یک دست نیست. خانم دکتر بنی اقبال با دید کتابداری عنوان می‌کنند که احتیاج به چکیده نیست. کتابداران همه کتاب‌ها و مؤلفان را می‌شناسند، ولی کسی که به دنبال موضوع خاصی است، نیازمند چکیده است. پیشنهاد من این است که کار چکیده‌نویسی ادامه یابد، زیرا متولی دیگری در کشور ندارد، ولی بهتر است روی اصول و آیین‌نامه‌های چکیده‌نویسی بیشتر دقت شود. بیشتر چکیده‌های کارنامه نشر هیچ اطلاعات خاصی در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد و گاه کپی از روی جملات مقدمه کتاب است. چکیده الزاماً نباید طولانی باشد. پس باید آیین‌نامه قابل توجهی برای این کار تدوین شود و در مقدمه ذکر شود تا کاربر نیز با تعریف چکیده آشنا شود.

مسعودی: بحث این است که برای چه کتاب‌هایی و چه موقع چکیده بنویسیم. به نظر من این بحث‌ها

سمیعی:
مهم‌ترین مشکل
چکیده‌های کارنامه نشر
یک دست و یکنواخت
نبودن و نداشتن ساخت
است

به دلیل تخصصی بودن و چند بعدی بودنش، در این جلسه به نتیجه نمی‌رسد. پیشنهاد من این است که همان‌گونه که در فرهنگنامه کتابداری و دانشنامه، شورایی علمی تشکیل داده بودیم، عمل کنیم و صاحب‌نظران در این حیطه را در این شورا جمع کنیم. این شورا جلسات منظمی برای سیاست‌گذاری کلی برگزار می‌کند و سپس موارد مختلف را در جلسات دیگر مطرح کرد و به نتیجه رسید. متخصص موضوعی در این زمینه کسی است که در آن زمینه خاص تخصص داشته باشد، به عنوان مثال چکیده‌های کشاورزی باید توسط مهندس کشاورزی نوشته شود. به هر حال ما باید بپذیریم که این کار یک کار تخصصی است و نیازمند ضوابط و استانداردهایی است. در اجرا نیز برای بهبود کیفیت کار، باید آن را از حالت مکانیکی خارج کرد. اگر بخواهیم کار با کیفیت بهتری انجام شود گروهی باید سیاست‌ها را منسجم کنند. اینکه میل دارید که چکیده‌ها در انتها توسط دو نفر بازبینی شود و یا از افرادی که هم نظر هستند در چکیده‌نویسی استفاده کنید، به تصمیم گروه بستگی دارد. باید آگاهانه و عالمانه با چکیده‌نویسی برخورد کرد. نمی‌توان گفت که کتاب‌های چاپ اول فقط به چکیده‌نویسی احتیاج دارد. گاه چاپ اول کتاب آن چنان واضح است که احتیاج به چکیده‌نویسی ندارد. گروه باید تشخیص دهد که این موضوع کتاب در جامعه ما بکر است و یا نگاه نویسنده کتاب به مسأله با نگاه دیگران متفاوت است. مانند برخوردی که با نقد کتاب صورت می‌گیرد و همه کتاب‌ها معرفی نمی‌شود. اگر دیدگاه جدیدی در آن مطرح شده باشد، اگر از زاویه جدیدی به مسأله نگاه شده باشد و اگر موضوع برای اولین بار در جامعه مطرح شود، آن را نقد و معرفی می‌کنیم.

سپهر: من فکر می‌کنم مسأله چکیده باید روشن شود. ما باید ببینیم در دنیا در مورد چکیده چه اقدامی صورت گرفته است. اگر با دنیا هماهنگ شویم، بهتر است. آیا در دنیا برای کتاب‌ها چکیده نوشته می‌شود، چکیده‌ها به چه شکلی است؟ چکیده‌ها بیشتر در مورد مقالات نوشته می‌شود. در چکیده اطلاعات توصیفی از کتاب ذکر می‌شود. در چکیده، نتیجه کتاب نیز باید ذکر شود. چکیده معنای وسیع و تعریف شده‌ای دارد. تعریف کتاب و توصیف کتاب چکیده نامیده می‌شود.

مطلبی: هدف ما چکیده‌نویسی نیست، بلکه معرفی کتاب‌هاست. ما اصلاً چکیده‌نویس نداریم و کسانی که کار معرفی کتاب را انجام می‌دهند، ممکن است توان چکیده‌نویسی را نداشته باشند. ما در سال ۱۳۷۵ به فکر تهیه چکیده افتادیم و با دورویکرد مخاطب و هدف آن را دنبال کردیم. معرفی با این هدف که خواننده به یک دیدگاه کلی در مورد کتاب دست یابد و مخاطب‌مان نیز کسانی بودند که می‌خواستند کتاب را بر اساس چکیده آن مطالعه و خریداری کنند. آیین‌نامه‌ای به این منظور تدوین شد. البته من می‌پذیرم که این آیین‌نامه بدرستی و به طور کامل اجرا نشده است. گاه در چکیده فقط فهرست مطالب آمده و گاه معرفی کاملی از کتاب صورت گرفته است، حتی در مورد انتخاب کتاب‌ها برای چکیده‌نویسی، نیز به بحث و بررسی با دوستان پرداختیم و به زعم خودمان تصمیم درستی گرفتیم. البته مواردی که دوستان اشاره کردند باید مورد بررسی بیشتر قرار گیرد.

سمیعی: اگر abstrac را معادل چکیده می‌دانید من با نظر شما مخالفم. اگر abstrac را فقط برای منابع علمی به کار ببریم، موجه نیست. در منابع لاتین اساتید صاحب‌کار abstrac را خیلی کلی بیان می‌کنند. عنوان مهم نیست، مهم دقیق بودن آیین‌نامه آن است.

بنی اقبال: همه تأکیدات بر یک دستی و یکنواختی است. معرفی و یا هر عنوان دیگری که به آن می‌دهیم باید به گونه‌ای باشد که با خواندن آن تصور کنیم که در حال ورق زدن کتاب هستیم، نه اینکه چیزی از آن متوجه نشویم. بحث دیگر ارجاعات است. تکلیف ارجاعات در فهرست چیست؟

مطلبی: در Data base نحوه ارجاعات مختلف را بیان کرده‌ایم که شامل نام‌های مختلف ناشر، نام‌های مختلف نویسنده و غیره... است. در کارنامه نشر سعی نموده‌ایم تا از طریق نمایه یک‌سری از اطلاعات را در اختیار خواننده قرار دهیم، ولی این اطلاعات کامل و کافی نیست. مثلاً در بخش ناشر، ارجاعاتی داریم، زیرا اسامی تمام ناشران را در data base داریم و بعضی وقت‌ها حتی در مورد موضوع که ممکن است ایراداتی نیز داشته باشد، می‌توانیم درباره آن بحث کنیم و از نظرات شما استقبال می‌کنیم.

صدیق بهزادی: من نه در مستند مؤلف و نه در سند موضوع ارجاع ندیدم. البته در موضوع ارجاع دادن

مسعودی:
 باید بپذیریم که این کار
 یک کار تخصصی است و
 نیازمند ضوابط و
 استانداردهایی است. در
 اجرا نیز برای بهبود کیفیت
 کار، باید آن را از حالت
 مکانیکی خارج کرد

کار سختی است، ولی در مورد مستند مؤلف‌ها چون شماسعی کرده بودید از مستند مشاهیر استفاده کنید در مورد مولوی از عین مستند مشاهیر استفاده کرده بودید و یا سعدی را همین‌طور ولی از هیچ فرم مولوی و یا سعدی به آن ارجاع نداده بودید. مولوی را به نام مولانا و یا... دیگر اسامی نیز می‌شناسند و سعدی هم همین‌طور. تقریباً در مؤلف هیچ ارجاعی به آنها داده نشده است.

مطلبی: ما در data base کلاً ارجاعات را داریم. شما حتی می‌توانید از طریق ناشر به کلیه اطلاعات دسترسی داشته باشید.

سمیعی: در نمایه مؤلف که معمولاً ارجاعات بکار نرفته است، ولی در بدنه اصلی کارنامه نشر گاهی ارجاع بکار رفته است. یعنی از یک‌رده به جای دیگر ارجاع داده شده بود، ولی این ارجاع معکوس بوده است. به جای اینکه به کسی که به دنبال کتابی در یک‌رده است، کمک کنیم، به کسی که عنوان کتاب مورد نظرش را می‌یابد می‌گوییم که این کتاب در آن رده نیز می‌آید. خیلی هم محدود بکار رفته است. در تنظیم برای چاپ، برعکس عمل شده است. به نظر من اگر کارنامه نشر را به عنوان Books in print بپذیریم، ارجاعات به صورت طبیعی در آن آورده می‌شود. اما در این سیستم از آنجایی که بر مبنای رده‌ها مرتب شده است، کسی که می‌خواهد به دنبال کتابی بگردد که در چند رده قرار دارد، هیچ‌گاه به آن دست نمی‌یابد. مثلاً فرهنگ واژه‌های تخصصی عرفان، این کتاب هم یک فرهنگنامه است که در رده کلیات و هم در رده عرفان جای می‌گیرد. اما در این سیستم آن را در یک‌رده قرار می‌دهید. اما در سیستم Books in print هرکسی می‌تواند این کتاب را در هر دوره بازیابی کند.

صدیق بهزادی: اگر قرار است Books in print باشد؛ برای مؤلف مستندسازی انجام نمی‌شود. کتاب را باید بر اساس عنوان نویسنده آن معرفی کنید، مثلاً اگر مولانا روی صفحه کتاب است، در Books in print در قسمت مؤلف هیچ‌گاه مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی آورده نمی‌شود. در Books in print باید مؤلف را به همان صورتی که در خود کتاب است، معرفی کنید. در خارج اگر عنوان مؤلف مارک تواین باشد، در Books in print همان مارک تواین آورده می‌شود. کاری که شما الان انجام می‌دهید، اگر ارجاع را قرار دهید معنادار است، ولی اگر Books in print می‌سازید و می‌خواهید عنوان مؤلفان را بیاورید، قاعدتاً مؤلف باید همان کسی باشد که کتاب از او چاپ شده است.

مطلبی: ما در data base کتیبه عنوان هر مؤلفی را که ذکر کنید، تمام کتاب‌های او را جست و جو می‌کنیم ولی در کارنامه نشر به صورت مستند عمل کرده‌ایم.

بنی‌اقبال: الان در data base هرکاری را که بنگرید از جمله Books in print و کتابخانه‌کنگره، اگر مراجعه‌کننده دانشمند به نمایه مراجعه کند و بخواهد با اسم مستند یک کتاب را بیابد، باید دسترسی به آن را داشته باشد.

صدیق بهزادی: به عنوان مثال کتابخانه ملی در مورد کتاب شیخ صدوق تصمیم می‌گیرد که آن را تحت عنوان ابن بابویه قرار دهد. آیا شما فکر می‌کنید کتابی که در کارنامه نشر معرفی می‌شود در حالی که در کتابخانه ملی تحت عنوان شیخ صدوق معرفی شده است، عنوان آن می‌تواند تغییر کند؟ گاهی اوقات مستندهای قدیمی از لحاظ شکل با عنوانی که روی کتاب است، بسیار متفاوت است. مثلاً اسم سعدی آمده ولی اسم کوچک او به طور کامل نیامده است. هر چند که برای یک دانشمند اشکالی ایجاد نمی‌کند، ولی برخی از اسامی وقتی که مستند می‌شود، بسیار تغییر می‌کند.

سمیعی: با تشکر از همه اساتید که در این جلسه حاضر شدند، گمان می‌کنم زوایای متعددی برای دست‌اندرکاران کارنامه نشر روشن شد و پیشنهادهای مفیدی ارائه گردید. امید داریم کارنامه نشر ۱۳۸۳ بر اساس مذاکرات این جلسه و با در نظر گرفتن مقررات خانه کتاب، کامل‌تر و پربارتر منتشر شود.

سمیعی:

به نظر من اگر کارنامه

نشر را به عنوان

Books in print

بپذیریم، ارجاعات به

صورت طبیعی در آن آورده

می‌شود